

پروکلر های جهان ، متحد شوید!

مردم

ارکان مرکزی حزب توده ایران

۱۹ اسفند، آغاز ۲۸ مین سالگرد تصویب قانون ملی شدن نفت بود. مردم ایران خاطره این روز بزرگ را گرامی می‌دارند و پیوسته به طرد تسلط امپریالیسم بر نفت ایران می‌اندیشند. لیکن رژیم شاه همچنان تلاشهای مذبحخانه‌ای را دنبال می‌کند که هدف آن تثبیت مواضع کارتول در نفت ایران و ادامه عمر قراردادهای امتیازی است. مذاکرات کنونی نمایندگان کسرسیوم و دولت ایران، که هدف آن تجدید نظر در قرارداد فروش نفت و یا حتی انعقاد قرارداد جدیدی

کارگران ایران، در مبارزات سیاسی و صنفی پیشگام باشید!

(اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت اول ماه مه)

تهران، اصفهان، تبریز و سایر نقاط دیگر نمونه‌هایی از این مبارزه عادلانه و بحق و قانونی کارگران است. رژیم علی‌رغم سیاست ارباب و فشار تهرانشسته و نخواهد توانست از این مبارزات بحق جلوگیری کند.

در شرایط کنونی کارگران ایران می‌توانند مطالبات صنفی خود را بشکل زیرین مطرح میکنند: حل مسئله مسکن برای کارگران، محدود ساختن روز کار در سرتاسر کشور به هشت ساعت در روز و چهار ساعت در هفته، لغو کار کودکان کمتر از ۱۴ سال، جلوگیری از واگذاری کارهای شاق بزنان، اجرای اصل دستمزد مساوی در برابر کار مساوی، تعیین حد اقل دستمزد بر پایه هزینه‌های لازم مابنی و معنوی خانواده‌های کارگری، رعایت تعطیلات هفته و مرخصی سالانه برای همه کارگران، جلوگیری از اضافه کار در کارخانه و کارگاه تحت هر عنوان، وادار کردن دولت و کارفرمایان به رعایت اکید بهداشت و ایمنی کار، شامل ساختن قانون کار و بیمه بر کلیه کارخانه‌ها و کارگاهها، اعم از بزرگ و کوچک و در مورد همه کارگران اعم از کارگران کارگاههای صنعتی، پیشه‌وری و یا کارگران حمل و نقل و کشاورزی، واداشتن دولت و کارفرمایان بر رعایت اکید قوانین کار و بیمه‌های اجتماعی و تجدید نظر در این قوانین با شرکت خود کارگران و بسود آنان، تأمین نظارت کارگران بر سازمان‌هایی که موظف بخدمت رفاهی نسبت به کارگران هستند و با بخشی از دستمزد آنها ایجاد شده، (مانند سازمان بیمه‌های اجتماعی، سازمان فروش مسکن و امثال آنها) و غیره و غیره.

کمیته مرکزی حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، جشن بزرگ و پرست اول ماه مه، روز همبستگی و نمایش پرشکوه نیروی کارگران و زحماتشان جهان را، که اسامیل نودمین سالگشت خود را برگزار میکنند، بشما اوصیه قلب شادباش می‌گوید. کارگران و زحماتشان جهان اسامیل این جشن را در شرایطی برپا میدارند که کشورهای سوسیالیستی در جبهه کار و صلح و ساختن جامعه نو به دستاوردهای بزرگ و گوناگونی نائل آمده‌اند، در حالیکه در کشورهای سرمایه‌داری تضاد بین کار و سرمایه، تضاد درونی بین امپریالیستی جهان‌فروزر بر دست آوردن سود بیشتر تشدید میشود و اقتصاد سرمایه‌داری با مشکلات گوناگونی دست‌گیر است. انحصار پیروزمند کارگران زغال‌سنگ در امریکا، انحصار وسیع کارگران صنایع چای و صنایع فولاد در آلمان فدرال، انحصارات چند ملیون قری زحماتشان در فرانسه و ایتالیا در سال گذشته دامنه و شدت بیسابقه مبارزات سندیکایی راهلیه انحصار های آمرند امپریالیستی نشان داد. ما در عین حال در جهان سوم شاهد گسترش مبارزات خلقها در راه استقلال واقعی و ترقی اجتماعی هستیم. کامیابیهی درخشان خلقهای افریقا در آنگولا، در موزامبیک، در حبشه که باباری و پشتیبانی همه جانبه کشورهای سوسیالیستی علیه امپریالیسم اسارتگر بدست آمده، نمودارهایی از پیشرفت روزافزون نبرد خلقهای جهان سوم، برای رهائی از چنگ اسارتگران و غارتگران امپریالیستی است.

در مین ما ایران وضع اقتصادی و اجتماعی کارگران و زحماتشان و تشریحی مختلف خلقهای کشور، در سال گذشته بازم دشوارتر شد. رژیم استبدادی شاه که از مقاصد امپریالیسم، پروژه امپریالیسم امریکا پیروی میکند، با هزینه‌های غیر لازم نظامی و غیره‌های کلان تسلیحاتی را که سنگین بود، بازم سنگین‌تر کرده است. بدستور شاه مبلغ هنگفتی از درآمد نفت این مذهب است، تروت ملی سرزمین ما و هم چنین منابع مانی و نیروی انسانی ایران به امر تسلیحات و اجراء تهمذات نظامی در قبال امپریالیستها، اختصاص یافت. بن جریان و همچنین باصطلاح تنگناهایی که در اثر برنامه ریزی‌های غلط و ضد ملی و خرابکاری‌های غارتگران داخلی و خارجی بوجود آمد، تولید را در کشور ما فلج کرد که یکی از نمونه‌های آن در سال گذشته نبودن انرژی کالی برق بود. همچنین تکیه رژیم به وارد کردن کالاهاى مصرفی از خارج چنان آسیمی به تولید داخلی وارد نموده، که مجموع تولید صنعتی تاچهل در صد کاهش یافت.

همه این هرج و مرج ها، وضع کارگران را دشوارتر کرد و بیکاری اجباری در مؤسسات تولیدی باعث شده که میابرها ریال از دستمزد کارگران کاسته شود. در عین حال تورم شتابان قلمی در صد بالا رفت و این خود قدرت خرید دستمزد ناچیز کارگران و زحماتشان را بازم پائین آورد.

رژیم استبدادی شاه میخواهد ضررهای ناشی از سیاست ضد ملی و ضد خلقی خود را به حساب طبقه کارگر و تشدید استعمار از این طبقه جبران کند! شاه و دیگر سردمداران رژیم از ضرورت بالا بردن بهره‌وری کاربندی تشدید استعمار دم میزنند. رژیم با توسل به «آئین نامه انضباطی» و «ششنامه کار» برای کارگران صنعتی و تجدید نظر در قوانین و آئین نامه‌های کارگری میکوشد طبقه کارگر ایران را بیش از پیش در زیر منگنه قرار دهد. کارگران ایران در سال گذشته نیز مانند سالهای پیش به فشار رژیم و کارفرمایان با تشدید مبارزات اعتراضی پاسخ دادند. انضباطات کارگران در

بر مبنای آن اعلام شده، نشانه دیگری از این تلاش است.

هدف عمده کودتای امپریالیستی - ارتجاعی ۲۸ مرداد احیاء مواضع امپریالیسم و تأمین تسلط کارول بین المللی بر نفت ایران بود. این نظر با اعتقاد قرارداد کسرسیوم در هفتم آبان ۱۳۳۳ تأمین گردید. طبق این قرارداد همان منقله امتیاز ۱۹۲۳ برای مدت ۴۰ سال به غارت انحصارات عمده نفتی امریکائی، انگلیسی، هلندی و فرانسوی در آمد. قرارداد کسرسیوم نه فقط

شاه وعده آزادی میدهد!

مبارزه مردم ایران در راه پایان دادن به محیط اختناق در کشور با پرحله تازه‌ای نهاده است. کار دستخواهان رسیده و مردم دیگر حاضر نیستند در محیط خفقان سیاسی و فرمانروائی مطلق ساواکهای درنده زندگی کنند. ناراضی از وضع موجود ابعاد گسترده‌ای بخود گرفته و طبقات و تشریحی مختلف مردم بخصوص جوانان را که از آینده خود در تنگنای رعب و وحشت نگرانند بایستادگی بر برابر استبداد سلطنتی برانگیخته است.

گردانندگان رژیم برای پیشگیری از یک انفجار انقلابی دام مکر نهاده و سر حقه باز کرده‌اند و مردم وعده آزادی میدهند. روزنامه «رستاخیز» سخنگوی حزب دفاگیره که وجود انحصاری آن مظهر سلب آزادی عقیده از مردم است، دامنه عوام قریبی را چنان گسترده است که گویی چیزی نخواهد گذشت که ایران به بهشت دموکراسی در روی زمین تبدیل خواهد شد. شاه نیز که تنها شئین کلمه آزادی موی بر اندامش راست میکند، در این اواخر هوداداره آزادی شده میکوشد تصمیم گرفته است علیرغم اقدامات «دستی خائن یا قریب خورده»، ب مردم آزادیهای فردی بدهد. خود این گفته دلیل و اختراق بر آنست که آزادیهای فردی در ایران وجود ندارد زیرا چیزی که هست بامان مجدد آن نیازی نیست.

آزادی را شاه و ساواکهایش از مردم گرفته‌اند و آنرا هرگز بعیل خود پس نمیدهند. هیچ‌سنگری به ستمدیده آزادی نمیدهد. تاریخ هزار بار این امر را ثابت کرده است. شاه میکوشد در چارچوب سه اصل رستاخیز که «نظام شاعنشاهی» مهمترین اصل آنست ب مردم آزادیهای فردی خواهد داد و آنکس که از این چارچوب یا بیرون نهد بمرز خیانت یا گذارده است. آزادی که او ب مردم بشرط رعایت این اصل وعده میدهد بی شباهت به آن آزادی نیست که

قرارداد امتیازی فروش نفت به کسرسیوم باید بدون قید و شرط لغو شود

ملی شدن نفت را در تمام جهات تقض می‌کرد، بلکه خود از عقب مانده ترین امتیاز های موجود نفتی بود. طبق آن، نفت ایران در سرچاه بمالکیت بیگانه در می‌آمد و تعیین قیمت نفت با انحصارات نفتی بود. ایران در اداره امور صنعتی صنعت نفت، حمل نفت، بفرج و فروش آن، در بازار جهانی کمترین حقی نداشت. کسرسیوم و شرکت‌های تابعه آن از حقوق برون مرزی، معافیت گمرکی صادرات و واردات بر خوردار بودند. دنباله در صفحه ۲

برده دار بقصدای بیلامش وعده میداد. یکی از لشکریان امیر خورزم را که در جنگ با سپاه خلیفه اسیر شده بود بیک تاجر بقصدای بیلامی فروخند. روزی تاجر به غلام گفت: پدرم را در خواب دیدم که مرا ملاحت میکرد که چرا خیرات ندمم. شنیده ام که تو اب آزاد کردی یک بنده از صد خیرات بیشتر است. میخوام که ترا بخاطر آرزوی روح پدرم آزاد کنم اما بیک شرط. غلام شادمانه پرسید: کدام شرط؟ تاجر گفت بشرط آنکه پس از آزادی خودت در خدمت من بمائی و فرزندت را از خورزم بیخوای و پیش‌بزم فرستی. غلام گفت: ترا بروح پدرت که از این آزادی ترگش باشد که خدای یجان مرا در این عذاب بستاند و یا ترا برحمت خویش برد و از تعهد خیرات برهاند. شرط برده دار بقصدای بیعربت آسانتر از شرطی است که شاه برای آزادی به «پردگان» میدهد زیرا معنی واقعی شرط نظام‌شاهنشاهی ننگها قبول خدمت خود او بلکه پذیرفتن بردگی تمام نسلش تا روز قیامت است. مردم آزادی را برای آن میخوانند که گردن خود را از زیر طوق بندگی شاه و صاحبش و عوامش که ایران را بروز سیاه نشانده و در میان جامعه بشری بعنوان یک کشور فاشیستی و دیکتاتوری بد نام کرده‌اند بیرون بیاورند. آزادی را در و راه این خواست اصلی معنایی نیست. آزادی مشروط به بندگی ستمکاران نسلا بعد نسل چه مفهومی میتواند داشته باشد. شاه هرکس این شرط را نپذیرد، و خائن و یا فریب خورده، «آشوبگر» و از مرز خیانت گذشته، اعلام کرده، خوش را مباح بشمرد. شاه در مصاحبه خود با رادبری فرانسه در پاسخ علل کشتار مردم تبریز میگوید: «آشوبگران، با دست‌کل استقبال نمیکند. بوزم شاه دهها هزار نفر تبریزی «آشوبگرانی» هستند که از مرز خیانت، گذشته بودند و مستوجب قتل‌عام. یکی از خبرنگاران شاه در مصاحبه اخیرش با این سوال که «مرز خیانت کیاست و تشخیص آن با کیست؟» غافلگیر کرد و اعتراضی پس پر معنی از دهان او بیرون کشید. شاه در پاسخ سوال آن خبرنگار گفت: «مرز خیانت مثلا آنجاست که کسی نفت ایران را با بهی کمتری به دیگران بدهد. و اما هم یکی از مرزهای آشکار خیانت که اضافه با آزادی های فردی نیز رابطه مستقیم دارد از همین جا میگردد. آیا چه کسی جز شاه پس از آن که بایول و توسط امپریالیستها امریکائی بعد از کودتای ۲۸ مرداد تمام آزادیهای فردی را سرکوب و دیکتاتوری خود را برقرار کرد نفت ایران را همیشه کمتر از بهی واقعی آن ب دیگران داده و میدهد و هم اکنون نیز از منافع امپریالیستهای غرب در سازمان کشورهای صانع کننده نفت دفاع مینماید.

آزادیهای فردی و نفت، همیشه با یکدیگر در نبرد بوده‌اند. مردم اگر آزادی داشته باشند هرگز

مجله شوروی «عصر جدید» درباره حوادث تبریز

در روزهای اخیر در تهران، اصفهان، مشهد، کاشان، یزد، زاهدان، خرمشهر، قزوین، الیگورژ، بابل، جهرم، لارستان، سیدان شیراز، چالوس، قم، زرنده کرمان، خرم آباد، میانه، آبادان، دزفول، رزن، کرمانشاه، نجف آباد، بندر ایلام، اهواز، تهلوان، همدان، شوشتر، دره شهر، استان ایلام و سیرجان کرمان تظاهرات مردم علیه رژیم انجام گرفت. این واقعات نمونه دیگری از ناخرسندی عمیق و وسیع مردم از رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک است و دعای رژیم را در باره آنکه علت این جنبش را باید در خارج جستجو کرد، رو میکند. در مقاله زیرین که در مجله معروف شوروی «عصر جدید» درباره جنبش مردم تبریز درج شده، بهمین اعلانی نارواي شاه و دستگناه تبلیغاتی پاسخ داده شده است.

روزنامه «پیغام امروز» چاپ تهران در شماره ۲۸ فوریه خود مقاله ای در باره حوادث اخیر تبریز، مرکز استان آذربایجان شرقی ایران منتشر نموده است. مقاله را میشد نادیده گرفت اگر نویسنده آن زیر این عنوان که «سازمانهای کمونیست و ارتجاعی دفاع از آشوبگران تبریز را بپهده گرفته‌اند نعل وارونه زده بود.

نخست به شرح وقایع میپردازیم. در روزهای ۱۸ و ۱۹ فوریه بنا بنوشته مطبوعات و خبرگزاری‌های ایرانی و خارجی چندین هزار نفر از مردم تبریز، یکی از مهمترین مراکز اقتصادی و سیاسی ایران که همواره

علل حوادث تبریز را باید در کجا جستجو کرد؟

روزنامه «پیغام امروز» چاپ تهران در شماره ۲۸ فوریه خود مقاله ای در باره حوادث اخیر تبریز، مرکز استان آذربایجان شرقی ایران منتشر نموده است. مقاله را میشد نادیده گرفت اگر نویسنده آن زیر این عنوان که «سازمانهای کمونیست و ارتجاعی دفاع از آشوبگران تبریز را بپهده گرفته‌اند نعل وارونه زده بود.

نخست به شرح وقایع میپردازیم. در روزهای ۱۸ و ۱۹ فوریه بنا بنوشته مطبوعات و خبرگزاری‌های ایرانی و خارجی چندین هزار نفر از مردم تبریز، یکی از مهمترین مراکز اقتصادی و سیاسی ایران که همواره

در زندگی سیاسی کشور تأثیر بزرگی داشته است تظاهرات عظیمی برپا نمودند، پلیس و ارتش به تظاهر کنندگان حمله کردند و حتی تانک و زره پوش نیز بکار بردند. نتیجه شوم این «عملیات» بنا بناتفرافه مقامات رسمی، ۹ کشته، ۱۶۵ زخمی و صدها بازداشتی بود.

ولی منابع خارجی ارقام بسیار بزرگتری ذکر کردند. مثلا رادیو لندن بنقل از منابع محلی تعداد کشتگان را بیش از صد نفر نام برد.

دنباله در صفحه ۲

پراودا در شماره اول آوریل ۱۹۷۸ خود تحت عنوان «تظاهرات و هیجانات ضد دولتی در ایران» حوادث اخیر ایران را در تهران و زاهدان و یزد و مشهد و اصفهان و قزوین و دیگر شهرها و یادداشت تظاهر کنندگان از طرف پلیس را متعکس کرده است. رادیو مسکو نیز خبر داده است که این تظاهرات و بازداشتها کماکان ادامه دارد.

دنباله در صفحه ۲

